

ایجاد سندیکای چاپ اشاراتی میکنم تا رفقای مثل رضا مقدم در جریان آن قرار بگیرند. با تشکر از رفیق مرتضی افشاری و با امید به اینکه جسارت مرا ببخشند باید عرض کنم که در اشاره به چگونگی ایجاد سندیکای کارگران صنعت چاپ تهران و فعالیت‌های بی‌دقتی‌هایی وجود دارد که من به دو نمونه آنها اشاره میکنم و خواننده را رجوع میدهم به دو مقاله بنامهای "مروری بر مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران" و "نشریه راه کارگر، مبارزات کارگران صنعت چاپ، و تشکل قانونی" که سالها قبل نوشته شده است.

و اما دو نمونه مورد بحث و علت مطرح شدن آن. تا اینجا باید روشن شده باشد که مرتضی افشاری با تقسیم بندی چپ و راست بر سر شورا و سندیکا موافق نیست و آنرا نادقیق میداند چرا که می‌پندارد پذیرش این تقسیم بندی بطور مشخص سندیکای کارگران صنعت چاپ را متعلق به جناح و گرایش راست جنبش کارگری خواهد کرد. مرتضی افشاری این نمونه‌ها آورده است تا نشان دهد سندیکای چاپ متعلق به گرایش راست نبوده است. تلاش من این بود که نشان دهم کارگران کارگاههای کوچک و کارگران چاپ به صرف اینکه ناگزیر به ایجاد سندیکا هستند، در جناح راست جنبش کارگری قرار نمی‌گیرند. بنابراین الان و در پایان مقاله روشن است که اشاره من به بی‌دقتی مرتضی افشاری در ذکر این دو نمونه

دارای هیچ معنی سیاسی برای قضاوت درباره سندیکای کارگران صنعت چاپ تهران نیست.

اول: "در مورد تظاهرات اول ماه مه ۱۳۵۸ سندیکای چاپ و دیگر سندیکاها و شوراها، نشست های مختلفی داشتند و تظاهرات اول ماه مه خانه کارگر حاصل کار تشکلهای مستقل کارگری آزمون بود. یاد ندارم که شوراها و سندیکاها بر سر این مسائل با هم اختلافی داشتند. تمام شعارهای آنروز و همین طور خواستها مشترک بود."

چگونگی سازماندهی و برگزاری اول ماه مه سال ۵۸ تهران که تظاهرات آن از خانه کارگر شروع شد را باید به فرصت دیگری واگذاشت. در اینجا فقط به این نکته اشاره میکنم که سندیکایی که رفیق مرتضی شرح چگونگی تشکیل آنرا نوشته یعنی اولین سندیکای کارگران صنعت چاپ تهران بعد از انقلاب، در مرداد ۵۸ تشکیل شد، یعنی سه ماه بعد از اردیبهشت ۵۸. بنابراین این سندیکا نمیتوانسته در سازماندهی و برگزاری مراسم اول ماه مه سال ۵۸ در خانه کارگر شرکت داشته باشد. البته کارگران مبارز و پیشرو صنعت چاپ در سازماندهی این مراسم فعال بودند.

دوم: "یکی از کارهای مهم سندیکای چاپ در سال ۵۹ فراخوان تظاهرات بر علیه قطع سود ویژه بود که میخواستیم به طرف وزارت کار راهپیمایی کنیم." خواننده علاقه‌مند میتواند شرح مفصل این ماجرا را در مقاله "مروری بر مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران" بخواند. اینجا فقط یادآوری میکنم، هنگامی که رژیم اسلامی قانون سود ویژه را لغو کرد، پنج تن از هفت عضو

هیات مدیره سندیکای چاپ استعفا داده بودند و سندیکا مطابق اساسنامه و مقررات خودش نیز منحل شده بود. تصمیم به فراخوان برای تظاهرات علیه لغو سود ویژه در یک جلسه که متشکل از بخشی از کارگران مبارز و پیشرو صنعت چاپ بود گرفته شد. در این جمع که بعدها به کمیته "دوازده نفره" معروف شد دو نفر از اعضای هیات مدیره هم عضو بودند. بنابراین فراخوان به تظاهرات علیه لغو سود ویژه توسط سندیکا نبود، بلکه حتی تلاش شد تا از این مبارزه برای احیای مجدد سندیکا استفاده شود.

میتوان به مواردی که زیر عنوان نکات پراکنده آمده است باز هم افزود، از جمله اینکه مرتضی افشاری نوشته است: "من فکر می‌کنم رفیق رضا اصل مسئله را اشتباه تعریف می‌کند و تاریخ را به دلخواه خود مینویسد لذا به نتیجه گیری غلط میرسد." اما تا همین حد هم کافی است.

مقاله مرتضی افشاری بحث ما را به تشکلهای کارگری در دوران انقلاب ۵۷ یعنی شورا و سندیکا کشاند. امروز نوع و مشخصات تشکل کارگری مورد نیاز در شرایط کنونی میتواند در میان فعالین گرایش رادیکال و سوسیالیست مورد بحث قرار گیرد بدون اینکه معنایش بحث میان گرایشات باشد. و این یکی از مهمترین نیازهای رادیکالها و سوسیالیستهای جنبش کارگری در حال حاضر است. باید منتظر بود تا مرتضی افشاری علاوه بر ابراز موضع ارزنده‌اش علیه توافقات وزارت کار رژیم اسلامی و سازمان جهانی کار و همه مدافعاتش، بحثهای مفصلتری را درباره نیازهای فعلی جنبش کارگری و بویژه تشکلهای کارگری ارائه دهد. *

مروری بر مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران

رضا مقدم

به نقل از نشریه کمونیست، ارگان حزب کمونیست ایران، شماره ۳۵، دیماه ۱۳۶۶

بررسی مبارزات طبقه کارگر ایران در انقلاب ۵۷ یکی از مهمترین شیوه‌هایی است که از طریق آن، طبقه کارگر تجربیات خود را مرور میکند، به نقاط قوت خود پی میبرد، به ضعف های خود و علل آن واقف میگردد تا در جهت رفع آن بکوشد، تا در انقلاب آتی آگاهتر به منافع طبقاتی خود پا به صحنه گذارد و قدرتمند تر و فعالتر از آنها به دفاع برخیزد.

مروری بر مبارزه کارگران صنعت چاپ تهران در دوره بهمن ۵۷ تا بهمن ۶۰ یکی از نمونه‌هایی است که برای جنبش کارگری ایران درسهایی آموختنی به همراه دارد.

با پیشرویهای جنبش کارگری در سال ۵۷ و بویژه پس از ۱۷ شهریور انحلال سندیکاهای زرد که کارگران همواره علیه آن مبارزه کرده بودند، عملا در دستور روز کارگران قرار گرفت. این سندیکاها در هر کجا که کارگران، انقلابی تر دست به عمل زدند، زودتر جای خود را به کمیته‌های اعتصاب، کمیته‌های هماهنگی و شوراها دادند. اما سندیکاها آنجایی از خود جان سختی نشان دادند که کارگران مبارز و

پیشرو از سازماندهی اقدام انقلابی و عمل مستقیم کارگران اجتناب نمودند و بر قوانین و مقررات سندیکایی آنهم در یک دوران انقلابی، اتکا کردند. سندیکای کارگران چاپ تهران یکی از نمونه‌هایی بود که نه تنها قبل از قیام منحل نگشت و جای خود را به تشکل واقعی و انقلابی کارگران نداد بلکه ماهها پس از قیام نیز دوام آورد.

چند روز پس از قیام کارگران چاپخانه‌های تهران با حمله به ساختمان خانه کارگر، قفل درها را شکستند تا مجلس یادبود یکی از کارگران چاپ بنام اکبر پارسی کیا که در درگیریهای خیابانی جان خود را از دست داده بود، برگزار نمایند. در این گردهمایی که حدود ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت کرده بودند، بحث انحلال سندیکای دوران شاه و تشکیل سندیکای انقلابی نیز به میان کشیده شد. پس از بحثهای بسیاری که در این باره در میان کارگران مبارز و پیشرو در گرفت آنها بدین نتیجه رسیدند که از کارگران چاپخانه‌های تهران دعوت بعمل آورند تا با تشکیل یک جلسه، سندیکای دوران شاه را منحل کنند و سندیکای جدیدی ایجاد نمایند. پس از فراخوان کارگران مبارز و پیشرو بخشی از کارگران چاپخانه‌های مختلف تهران گرد هم آمدند که نمایندگان سندیکای سابق نیز در بین آنها بودند. در این جلسه کارگران مبارز و پیشرو به سندیکای دروان شاه و نمایندگانش شدت

حمله کردند. نمایندگان سندیکا پاسخ دادند، که از مدت قانونی نمایندگیشان هنوز مدت کمی باقی است. دفاتر، اسناد و اموال سندیکا را بعد از انتخابات و تعیین هیات مدیره جدید، در حضور و با نظارت یک مرجع دولتی (نمایندگان وزارت کار) تحویل خواهند داد. ضمنا پیشنهاد کردند کمیته‌ای متشکل از خودشان و کارگران مبارز و پیشرو انتخاب گردد تا انتخابات را برگزار کنند. کارگران مبارز و پیشرو این بهانه را که از مدت قانونی نمایندگان هیات مدیره هنوز مقداری باقی مانده است را رد نمودند، امتناع خود را از تشکیل یک کمیته با نمایندگان سابق برای برگزاری انتخابات بیان داشتند، و از میان خود یک هیات موسس ایجاد کردند تا برای تشکیل سندیکای جدید و برگزاری انتخابات مقدمات کار را فراهم آورد. در این هیات موسس کارگرانی از کیهان و نمایندگانی از کارگران آپادانا و افست نیز حضور داشتند. هیات موسس پس از سه ماه که هر هفته جلسات عمومی با کارگران برگزار کرد، اساسنامه‌ای تدوین نمود و آنرا همراه فرمهایی که برای کاندیداتوری تهیه شده بود به کارگران ارائه و فراخوان به انتخابات برای تعیین هیات مدیره جدید داد. همچنین از وزارت کار دعوت بعمل آمد تا نماینده‌ای را برای رسمیت یافتن انتخابات و سندیکای جدید به جلسه انتخابات بفرستد. چرا که

مروری بر مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران

نمایندگان سندیکای قبلی با اتکا به مقررات و ضوابط سندیکا تنها در اینصورت حاضر بودند دفاتر، اسناد و اموال سندیکا را تحویل دهند و استعفا نمایند. روز انتخابات (اواسط مرداد ۵۸) فرا رسید. در این روز نمایندگان سابق نیز خواستار کاندید نمودن خود شدند و این برخلاف ضوابط انتخاباتی‌ای بود که هیات موسس تعیین کرده بود. هیات موسس مقرر داشته بود که هر کاندیدا باید از طرف کارگران محلی که در آن بکار مشغول است از طریق جمع آوری امضا تأیید گردد. هیات مدیره سابق هیچکدام چنین تأییدیه‌ای نداشتند. با این حال اگر هیات موسس خواهان رسمیت یافتن انتخابات و سندیکا از جانب وزارت کار بود نمیتوانست از کاندیداتوری آنها جلوگیری نماید. زیرا بر اساس مقررات و ضوابط قانونی مربوط به سندیکا ها که هیات موسس حاضر نبود خدشهای بر آن وارد گردد، تشکیل سندیکای جدید، برگزاری و تعیین ضوابط انتخابات، و دعوت از اعضا برای انتخابات از اختیارات هیات مدیره سابق بود. برگزاری چنین انتخاباتی هنگامی معتبر میبود که نصف به اضافه یک اعضا در آن شرکت می‌کردند. برای انحلال سندیکای سابق و تشکیل سندیکای جدید این راه نیز در مقابل هیات موسس بود که خود از میان اعضا سندیکای قدیم به میزان نصف به اضافه یک اعضا عضوگیری کند تا تعیین مقررات انتخاباتی در محدوده اختیارات او قرار گیرد. هیات موسس به چنین اقدامی دست نزد. حال هیات موسس با آنکه بیش از ۵ ماه برای تشکیل سندیکای جدید و انحلال سندیکای قدیم و یا از رسمیت افتادن کل انتخابات و لاجرم سندیکای جدید از جانب وزارت کار، به خواست هیات مدیره مقرر گردید. بدین ترتیب انتخابات برگزار گردید، هیات مدیره جدید را تعیین کرد و سندیکای جدید کارگران صنعت چاپ تهران در مرداد ۵۸ یعنی ۶ ماه پس از قیام بهمین تشکیل شد.

تا همینجا مبارزه کارگران چاپ میتواند درسهای مهمی برای کارگران داشته باشد.

۱ - دعوت از بورژوازی برای دخالت در امور کارگران! ایجاد تشکل کارگری امر خود کارگران است. کارگران نباید اجازه دهند تا بورژوازی در اموری که تنها مربوط به خود کارگران است دخالت کند. این تنها خود کارگران هستند که باید نمایندگان خود را تأیید نمایند و نه دیگران. این از جمله اصول خدشه ناپذیری است که کارگران هیچگاه نباید آنرا زیر پا گذارند. اما کارگران صنعت چاپ تهران نه تنها در مقابل دخالت بورژوازی در امور کارگران ایستادگی نکردند بلکه خود برای دخالت دادن نمایندگان سرمایه‌داران در تشکیل سندیکای کارگران چاپ بارها به وزارت کار رجوع نمودند، از این اطاق به آن اطاق رفتند و "دوندگی" کردند. ایجاد تشکلهای کارگری امر خود کارگران است و احتیاج به اجازه قبلی از دولت و نظارت نمایندگان دولت ندارد. دعوت از نمایندگان وزارت کار برای تعیین صلاحیت نمایندگان و صحت انتخابات دست بورژوازی را باز می‌گذارد تا هرگاه نمایندگان مورد نظر سرمایه‌داران سر از صندوق در نیاورند، انتخابات با باطل کند و سر کارگران را در مبارزه برای انتخاب نمایندگان واقعی خود به سنگ بکوبد. همانطور که کارگران چاپ تهران ناگزیر شدند تا به کاندیداتوری هیات مدیره قدیم گردن گذارند و چندانایی از آنان نیز از صندوق آرا سر در آوردند. مبارزه برای آنکه دولتهای بورژوازی تشکلهای کارگری را برسیمت بشناسند، امری اصولی و لازم است. اما نه از طریق بازکردن دست دولت و سرمایه‌داران در امور کارگران. بلکه بلعکس، از طریق دفاع

قاطعانه از استقلال کارگران در امور مربوط به خودشان؛ از طریق دفاع یکپارچه و متحد کارگران از شورا و سندیکا و نمایندگانشان در مقابل تعرضات دولت و سرمایه‌داران؛ از طریق وادار کردن دولت و سرمایه‌داران برای گردن گذاشتن به این خواست کارگران که دولت و سرمایه‌داران باید تشکلهای کارگری را بدون هیچ قید و شرطی برسیمت بشناسند.

۲ - کارگران صنعت چاپ تهران خود را اسیر قید و بندهای "قانونگرایی سندیکالیستی" نمودند. توده‌های کارگر و زحمتکش با قیام خود رژیم شاه را سرنگون و تمام مقررات و قوانین سابق را لغو کردند؛ قانون گذاران و مجریان قانون رژیم شاه بدست مردم مسلح و قیام کننده تار و مار شدند؛ کارگران در بسیاری از کارخانجات با تشکیل شوراها کلیه امور کارخانه را بدست گرفته و مطالبات خود را راسا به اجرا گذاشتند. در چنین شرایطی هیات مدیره سندیکای دوران شاه خواستار طی شدن پروسه طبیعی و قانونی انحلال سندیکا و تحویل دفاتر و اموال آن با نظارت مراجع دولتی بودند. در مقابل نگرانی محافظه کارانه کارگران مبارز و پیشرو صنعت چاپ تهران از نقض مقررات سندیکا آنها را چنان ناتوان ساخته بود که حتی قادر نبودند سندیکای زرد دوران شاه را منحل کنند. ۶ ماه پس از قیام، هنگامیکه شوراها در همه جا سر برآورده بودند و در بسیاری از کارخانجات بر خلاف نظرات و سیاستهای دولت کلیه امور را بدست داشتند، کارگران صنعت چاپ برای ایجاد سندیکای خود در وزارت کار بدنبال جلب رضایت نمایندگان تازه بقدرت رسیده سرمایه بودند تا یک نفر را برای نظارت بر انتخاباتشان گسیل دارد. کارگران در بسیاری از کارخانجات نمایندگان و هیات مدیره‌های انتصابی دولت را به کارخانه راه نمیدادند، کارگران صنعت چاپ خود پیشقدم بودند تا دست وزارت کار را در امور کارگران باز بگذارند.

سندیکای جدید کارگران صنعت چاپ نتوانست در میان کارگران پایگاه وسیعی بدست آورد. چرا که مبارزات کارگران در آن شرایط خود را محدود به آنچه که برای سندیکا و سندیکالیسم قابل هضم بود نمیکرد و این شرایط سندیکا را ناتوان از تأثیر گذاری بر و هدایت این مبارزات میکرد. بطور مثال مبارزات کارگران روزنامه آیندگان، انتشارات امیرکبیر، مجله خواندنیها، و چاپخانه افست ابعاد وسیعی به خود گرفت و به اشکالی نظیر اشغال و مصادره، اخراج ساواکی‌ها و مدیران قبلی دست یافت. هیات مدیره در برخورد به این مبارزات زیر فشار از پائین و چند کارگر مبارز در درون هیات مدیره ناچار شد تا نسبت به تعدادی از این وقایع عکس العمل نشان دهد تا از این طریق این مبارزات را به کانالهای مطابق با ظرفیتهای کار سندیکایی سوق دهد. سندیکا در برخورد به مبارزات کارگران کیهان کاری صورت نداد. از مبارزه کارگران آیندگان تنها حمایت تبلیغی نمود. بر علیه مبارزه کارگران چاپخانه افست تحت این عنوان که آنها کمونیست هستند سیماشی کرد. در مبارزه کارگران مجله خواندنی‌ها که کارگران آنرا مصادره کرده و کلیه امور را بدست گرفته بودند پای رژیم اسلامی را بمیان کشید و مبارزه را از طریق مذاکره با دولت به سازش کشاند و ختم داد.

کشمکش میان اعضا هیات مدیره بر سر خط مشی سندیکا، ریختن توهمات کارگران نسبت به هیات مدیره سندیکا که برخوردش را به مبارزات و مشکلات حقوقی و صنفی خود دیده بودند، باعث شد تا سندیکا سیر نزولی خود را آغاز کند. در این شرایط دو نفر از اعضا هیات مدیره استعفا دادند. سه نفر دیگر از اعضا هیات مدیره که یک باند را تشکیل میدادند و رهبر آنها یکی از اعضای هیات مدیره سندیکای سابق بود که در سندیکای جدید نیز انتخاب شده بود، استعفا دادند. این باند دفاتر، مهر

و اسناد و اموال سندیکا را چون خزانه دار جزو باند آنها بود با خود بردند. بدین طریق سندیکا از نظر حقوقی منحل شده بود چرا که پنج نفر از اعضای هیات مدیره آن استعفا داده بودند.

در همین دوران رژیم اسلامی سود ویژه را لغو نمود. دو عضو باقی مانده هیات مدیره با توجه به جو اعتراضی در میان کارگران نسبت به لغو سود ویژه تعدادی از کارگران مبارز و پیشرو صنعت چاپ را در خارج از کادر رهبری سندیکا گرد هم آوردند. این کارگران مبارز و پیشرو که بعد ها به "کمیته دوازده نفره" معروف شدند، تصمیم گرفتند تا اعتراض کارگران بر علیه "لغو سود ویژه" را سازماندهی کنند. قرار شد که به کارگران صنعت چاپ فراخوان دهند تا در خانه کارگر تجمع کرده و از آنجا به طرف وزارت راهپیمایی کنند، در مقابل وزارت کار تجمع نمایند و تا وزیر کار در جمع کارگران حاضر نشود و به اعتراض کارگران پاسخ ندهد، آنجا را ترک نکنند. کمیته دوازده نفره در عین حال بر اینکه مسئله در وزارت کار زیاد کش پیدا نکند و کار به تحصن نکشد اتفاق نظر داشت. بدنبال این فراخوان تلاش کمیته دوازده نفره برای گرفتن اجازه راهپیمایی از دولت به نتیجه نرسید و میرسلیم وزیر کار وقت قاطعانه با آن مخالفت کرد. رژیم اسلامی در کنار تهدید نمایندگان کارگران، با کارگرانی که می پنداشت در جلوگیری از این راهپیمایی میتوانند موثر باشند نیز جداگانه ارتباطاتی گرفت تا به هر نحو که شده از برگزاری آن صمانعت بعمل آورد. از این طریق در میان سازماندهان این حرکت نیز تزلزل ایجاد شد. پس از مباحثات زیادی که در کمیته دوازده نفره جریان یافت بدین نتیجه رسیدند که راهپیمایی لغو شود و تنها میتینگ در خانه کارگر برگزار گردد. در رابطه با اینکه این مبارزه چگونه ادامه یابد و چه قطعنامه‌ای صادر شود، قرار شد تا در همان محل میتینگ با توجه به جو و روحیه کارگران تصمیم گرفته شود.

در روزی که کمیته دوازده نفره برای تجمع کارگران در خانه کارگر تعیین کرده بود، وزارت کار طی اطلاعیه‌ای که در برنامه اخبار ساعت دو رادیو دولتی نیز پخش شد سندیکا و فراخوان آنرا غیر قانونی خواند. با این وجود حدود هزار و پانصد نفر از کارگران به خانه کارگر تهران آمدند. مزدوران خانه کارگر که در آژمان در تسلط حزب جمهوری اسلامی بود نتوانستند کوچکترین صمانعتی از تجمع کارگران بعمل آورند. تنها پاسداران خیابانهای اطراف را بستند و کنترل نمودند. کمالی اداره کننده آن زمان خانه کارگر به پشت میکروفون آمد و مبارزه کارگران را مخالف اسلام خواند که با اعتراض کارگران روبرو شد و محل را ترک کرد. پس از آن یکی از نمایندگان سندیکا پشت میکروفون رفت و کمیته دوازده نفره را که این فراخوان را صادر نموده بود، به کارگران معرفی کرد و سپس تغییر تصمیم این کمیته را مبنی بر لغو راهپیمایی اعلام داشت که مورد اعتراض بخشی از کارگران قرار گرفت و بعضا جلسه را ترک کردند. قطعنامه‌ای که از طرف کمیته دوازده نفره خوانده شد چنین بود که ما خواهان سود ویژه هستیم و در اعتراض به لغو سود ویژه از طرف دولت اسلامی هر روز سر کار خود حاضر شده و پس از آن (عصر تا روز بعد) در خانه کارگر تجمع کرده و تحصن مینمائیم. قطعنامه مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفت و جلسه متشنج شد. برای ادامه این مبارزه نظرات و طرحهای گوناگونی توسط کارگران مبارز و پیشرو حاضر در جلسه پیشنهاد شد اما هیچکدام نظر اکثریت را به خود جلب نمود. بدین ترتیب میتینگ کارگران بدون اینکه به تصمیم مشخصی منجر گردد به اتمام رسید، سندیکای کارگران صنعت چاپ تهران عملا و قانونا منحل شد و کارگران مبارز

مروری بر مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران

و پیشرو تلاش دوباره‌ای را برای ایجاد سندیکای دیگری آغاز کردند. جا دارد تا اینجا به نکاتی پیرامون این حرکت کارگران چاپ اشاراتی کنیم:

الف: سازماندهی اعتراض کارگران به لغو سود ویژه، یک نوع از سازماندهی عمل مستقیم کارگران، مستقل و خارج از سلسله مراتب و مقررات دست و پاگیر سندیکا بود. استقبال کارگران از این فراخوان نشان داد که کارگران چاپ این ظرفیت را داشتند تا قبل از آن نیز بسیج گردند و بورژوازی و دولت آنرا تحت فشار قرار دهند. البته اعضا هیات مدیره به این نوع از سازماندهی اعتراض کارگری اعتقاد چندانی نداشتند. قصد آنها از سازماندهی اعتراض کارگران توسط کمیته دوازده نفره این بود که حقانیت و نفوذ از دست رفته سندیکا را که ۵ نفر از اعضا هیات مدیره آن استعفا کرده بودند، احیا نمایند و تصمیم سازند. بعبارت دیگر، آزاد کردن انرژی و پتانسیل مبارزات کارگران، دعوت از کارگران برای عمل مستقیم مستقل از سندیکا برای حقانیت بخشیدن دوباره به سندیکا، این بود آنچه اعضا هیات مدیره از سازماندهی اعتراض کارگران توسط کمیته دوازده نفره دنبال می کردند.

ب: محدودنگری صنفی - سندیکایی مانع از آن بود تا آنها در مبارزه بر علیه لغو سود ویژه توسط رژیم اسلامی، کارگران کارخانجات دیگر را نیز مدنظر قرار دهند و تلاش کنند تا به شکل وسیعتری دست به اعتراض زنند. روحیه اعتراضی و مخالفت بر علیه لغو سود ویژه بخش وسیعی از طبقه کارگر ایران را در بر گرفته بود. این زمینه فراوانی برای سازماندهی مبارزه‌ای فراتر از یک صنف و کارگران یک کارخانه را فراهم آورده بود. استقبال کارگران کارخانجات دیگر از فراخوان کارگران چاپ و حضور آنها در خانه کارگر خود دلیلی بر این مدعاست. بیش از سیصد نفر از هزار و پانصد کارگری که در خانه کارگر تجمع کردند، کارگرانی بودند که بطور متفرق و یا دسته جمعی از کارخانجات دیگر آمده بودند.

ج: طرح و برنامه کمیته دوازده نفره برای سازماندهی این مبارزه ناکافی بود. تجمع در خانه کارگر و راهپیمایی بطرف وزارت کار اگر چه شکلی از مبارزه بود که می‌توانست در تهییج دیگر بخشهای کارگری در مبارزه علیه لغو سود ویژه موثر واقع گردد و این خود مهم بود اما کمیته دوازده نفره درباره اینکه پس از راهپیمایی بطرف وزارت کار و حضور وزیر کار در تجمع کارگران (واضح بود که وزیر کار طرح دولت یعنی لغو سود ویژه را مجدداً تأیید میکند) چکار خواهند کرد، برنامه‌ای نداشتند. درباره اینکه مبارزه را چگونه ادامه میدهند، روشن نبودند و یا در واقع نظر واحدی نداشتند. کمیته دوازده نفره باید با و یا بدون آکسیون و راهپیمایی، فراخوان به اعتصاب را در برنامه خود میگنجانند. در آن شرایط (اواخر شهریور ۵۹) اکثر چاپخانه‌ها مشغول چاپ کتابهای درسی بودند. کارفرمایان طبق قراردادی که با دولت داشتند میبایستی کتابها را سر وقت تحویل می‌دادند. ایستادگی کارفرماها در مقابل اعتصاب کارگران آنها را دچار ضرر و زیان بسیاری می‌نمود و از نظر سیاسی نیز مشکلاتی را برای رژیم اسلامی فراهم میکرد. کما اینکه پس از این آکسیون در خانه کارگر، کارگران چاپخانه آپادانا دست به اعتصاب زدند و موفق شدند تا به میزان ۴ ماه حقوق، سود ویژه دریافت کنند. متعاقب این اعتصاب در تعداد دیگری از چاپخانه‌های بزرگ، کارفرمایان برای جلوگیری از گسترش موج اعتصاب به واحد خود سود ویژه را

در تقابل با طرح دولت پرداخت نمودند.

بهرحال سندیکا در دل این حرکت تقویت نشد بلکه وزارت کار آنرا رسماً و علناً منحل اعلام کرد اما کارگران صنعت چاپ به نقش ضدکارگری تعدادی از اعضای مستعفی هیات مدیره و همکاری آنها با وزارت کار برای انحلال سندیکا واقف شدند.

تشکیل سندیکا دوباره در دستور روز مبارزه کارگران مبارز و پیشرو صنعت چاپ تهران قرار گرفت. اما بدون درس گیری از گذشته. تلاش برای جلب نظر وزارت کار به شیوه سابق آغاز شد. وزارت کار که انتخاب عناصر سازشکار و مورد نظر خود را (سه نفر از اعضای هیات مدیره سابق جزو آنان بودند) با توجه به نقشی که در مبارزه برای سود ویژه و انحلال سندیکای سابق بازی کرده بودند، دشوار می‌یافت به عناوین گوناگون در مقابل ایجاد سندیکا سنگ اندازی می‌نمود. واعظی رئیس وقت امور سازمانهای کارگری در وزارت کار که از اعضا حزب جمهوری اسلامی بود علناً بیان داشت که کلیه کسانی که در سازماندهی مبارزه علیه لغو سود ویژه و میتینگ در خانه کارگر نقش داشتند حق شرکت در انتخابات و کاندید شدن را ندارند. بخش دیگری از کارگران مبارز و پیشرو به جلو صحنه آمدند و هیات موسس را تشکیل دادند. با این حال وزارت کار احتمال انتخاب شدن عناصر مورد نظر خود را نمیدید. بدین ترتیب یک جبهه متحد ضد کارگر به کمک و همراهی وزارت کار به هر عملی دست زدند تا از ایجاد سندیکا جلوگیری کنند و این را در روز انتخابات بخوبی نشان دادند.

هیات موسس پس از سه ماه توانست موافقت وزارت کار را برای انجام انتخابات در بهمن ۵۹ جلب کند. قرار شد تا وزارت کار نماینده‌ای را برای نظارت بر انتخابات به جلسه بفرستد. روز انتخابات در حضور نماینده وزارت کار رئیس جلسه و ناظر انتخابات تعیین شد اما پس از آن نماینده وزارت کار جلسه را ترک کرد تا انتخابات را از رسمیت بیاندازد. نماینده وزارت کار دلیل آورد که دفاتر سندیکای قبلی در جلسه موجود نیست تا او بتواند مطمئن گردد که آیا کارگران حاضر در جلسه، ۱ - در سندیکای سابق عضو بوده‌اند یا نه، ۲ - نصف بعلاوه یک اعضا قبلی سندیکا هستند یا خیر. کارگران به این عمل نماینده وزارت کار اعتراض کردند. برای عموم کارگران واضح بود که این یک توطئه از پیش طرح ریزی شده است. دفاتر، اسناد و اموال سندیکا نزد سه نفر عضو مستعفی هیات مدیره سابق بود. آنها حاضر نبودند که این اسناد را به همان دلالتی که در اولین انتخابات مطرح شد، در اختیار هیات موسس قرار دهند. به همین دلیل هیات موسس با نمایندگان وزارت کار از قبل به توافق رسیده بود که خود آنها اسناد و دفاتر سندیکا را از خزانه دار سابق پس بگیرند و با خود به جلسه بیاورند. کارگران صنعت چاپ تهران دو سال پس از قیام برای دومین بار رسماً از نمایندگان سرمایه‌داران دعوت کردند تا در امور کارگران دخالت کنند و نمایندگان سرمایه‌داران برای بار دوم نیز سر کارگران را به سنگ کوبیدند.

هیات موسس پس از اعتراض به این عمل نماینده وزارت کار که آنرا کارشکنی در ایجاد سندیکا دانست، تصمیم به برگزاری انتخابات گرفت و کارگران نیز از آن پشتیبانی کردند. انتخابات برگزار شد و هفت نفر بعنوان اعضا هیات مدیره تعیین شدند. سندیکای جدید تمام تلاش و کوشش خود را بکار برد تا به کارگران اتکا نماید و از طرف کارگران دارای حقانیت و صلاحیت باشد. هیات مدیره در جلسات هفتگی گزارشی از کارهای خود را ارائه می‌نمود و مشکلات و موانعی که در سر راه وجود داشتند را طرح میکرد و به بحث می‌گذاشت. هیات

مدیره از این طریق تلاش میکرد تا کارگران را در امور سندیکا دخالت کنند و فعال شوند. سندیکا دست به انتشار نشریه‌ای بنام "بولتن چاپخانه‌ها" زد که سه هزار نسخه تیراژ داشت و هر دو هفته یکبار منتشر میشد.

وزارت کار سندیکا را برسمیت نمی‌شناخت. در همین رابطه سندیکای کارفرمایان طی بخشنامه‌ای از صاحبان چاپخانه‌ها خواسته بود تا از قبول نمایندگان سندیکا در چاپخانه‌ها جلوگیری کنند و از رسیدگی سندیکا به شکایات کارگران مناعت بعمل آورند. اما اینها هیات مدیره سندیکا را تسلیم نکرد. سندیکا خود را به کارفرماها تحمیل نمود و آنجا که ناچار بود حتی از "گلاویز و دست به یقه شدن" با کارفرمایان خودداری نکرد. سندیکا با رسیدگی به مشکلات و شکایات کارگران و دفاع از مبارزاتشان و نفوذی که از این طریق در میان کارگران کسب نمود وزارت کار را ناچار کرد تا اگرچه نه رسماً بلکه در بسیاری از موارد سندیکا را علناً بعنوان نماینده کارگران بپذیرد. بطور مثال، کارگران چاپخانه مهر ایران، که صاحب آن به خارج رفته و مدیریت آنرا به مدت یکسال به شخص دیگری واگذار کرده بود، توانستند با دخالت، حمایت و راهنماییهای سندیکا چاپخانه را بدست بگیرند و خود راساً آنرا اداره کنند. و یا کارگران چاپ گوتنبرگ در اسفند ۵۹ بخاطر سود ویژه دست به اعتصاب زدند و کارفرما را به گروگان گرفتند و تحصن کردند. سندیکا با دخالت فعال در این مبارزه از تاثیرات منفی‌ای که تشکل خود کارگران می‌توانست در این مبارزه داشته باشد بشدت کاست. کارگران در این مبارزه به مطالبات خود دست یافتند و سندیکا در این موفقیت نقش بسیاری داشت. با آغاز سال ۶۰ هیات مدیره تلاش خود را برای برگزاری اول ماه مه آغاز کرد. هدف عمده‌ای که سندیکا و هیات مدیره آن از این مراسم دنبال می‌کردند طرح کردن "غیر قانونی" بودن خود و افساء وزارت کار بود تا از این طریق وزارت کار را برای برسمیت شناختن سندیکا تحت فشار گذارند. برنامه سندیکا برای روز کارگر علاوه بر نمایش عکس، فیلم و سخنرانی، برگزاری یک راهپیمایی بود. اما قبل از آنکه سندیکا برنامه خود را برای روز کارگر علنی سازد وزارت کار طی اطلاعیه‌ای سندیکا را غیر قانونی خواند و به تبع آن برگزاری راهپیمایی در روز کارگر توسط سندیکا نیز غیر قانونی شد. سندیکا برنامه راهپیمایی را لغو نمود و برای برگزاری یک میتینگ و یا یک مراسم، در صدد تهیه یک مکان برآمد. پس از آنکه کلیه تلاشهای سندیکا برای تهیه یک سالن به نتیجه نرسید به "انجمن همبستگی..." که وابسته به حزب توده بود رجوع کرد. "انجمن همبستگی..." خواستار تضمین‌های کتبی از سندیکا در رابطه با مواضعش نسبت به دولت و رژیم اسلامی و همچنین محتوای سخنرانی و شعارها در مراسم روز کارگر شدند. سندیکای کارگران صنعت چاپ تهران که در واقع به یکی از شعب وزارت کار، وزارت کشور و وزارت ارشاد اسلامی رجوع کرده بود ناچار شد تا به پاره‌ای از شروط "انجمن همبستگی..." وابسته به حزب توده گردن گذارد. سندیکا با محدودیت‌های فوق موفق گردید تا مراسم اول ماه مه را برگزار کند. اما به رسمیت یافتن سندیکا از طرف وزارت کار کمی نکرد و این "کابوسی" بود که هیات مدیره را تنها نمی‌گذاشت.

هیات مدیره عمده نیروی خود را صرف برگزاری یک انتخابات جدید نمود، تا بلکه اینبار بتواند "رسمی" و "قانونی" گردد. با طرح شدن انتخابات مجدد، عناصر ضدکارگر و وابستگان به حزب جمهوری اسلامی به تحرک در آمدند. از میان این ضد کارگران اعضا مستعفی هیات مدیره سندیکای قبلی که هنوز اسناد و دفاتر سندیکای قبلی را نزد خود

مروری بر مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران

سیاسی در جامعه آنها را از پیگیری برنامه‌هایی که تدارک دیده بودند بازداشت. دستگیری نمایندگان کارگران و کارگران مبارز و پیشرو وسعت یافت. با توجه به جو ارباب در جامعه، کارگران کمتری در جلسات عمومی سندیکا شرکت می‌نمودند. رژیم اسلامی سندیکا را برای تحویل لیستی از کارگران مبارز و پیشرو تحت فشار گذاشت. عناصر ضدکارگر، عوامل حزب جمهوری اسلامی، توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها در جلسات عمومی سندیکا فشار زیادی را به هیات مدیره آوردند تا سندیکا ترورها و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون را محکوم نماید. در مقابله سندیکا با توطئه چینی‌های مزدوران رژیم، توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها، عملاً گرایش به اینکه "ما کاری به سیاست نداریم" تقویت گردید. پرداختن به آندسته از حقوق صنفی کارگران که در چهارچوب قوانین رژیم اسلامی امکانپذیر بود، افزایش یافت. در همین راستا سندیکا ایجاد تعاونی مصرف برای کارگران چاپخانه‌های کوچک که خواست قدیمی این بخش از کارگران بود را در دستور گذاشت و بسیاری از مقدمات کار را نیز فراهم آورد. اما رژیم اسلامی سیاست "اول در خدمت رژیم اسلامی بودن و پس از آن به مسائل صنفی پرداختن" را در مقابله با سندیکا پیش میبرد و به عنوان گوناگون در مقابل فعالیت‌های سندیکا سنگ اندازی میکرد. در چنین شرایطی با دستگیری یکی از اعضا هیات مدیره و تحت تعقیب قرار گرفتن تعداد دیگری از آنها، ادامه فعالیت سندیکا بیش از پیش دشوار گردید.

رژیم اسلامی آخرین ضربه خود به سندیکا را در بیست و دو بهمن ۶۰، هنگامیکه کارگران در تدارک برگزاری مراسم سالگرد قیام بودند، وارد آورد. سپاه پاسداران با حمله به ساختمان‌های دفتر سندیکا در

داشتند در صدر بر آمدند تا با جمع آوری امضا از نصف بعلاوه یک اعضا انتخابات را خود برگزار کنند و سازمان دهند. این باند ضد کارگر که اعمالشان برای کارگران افشا شده بود با اعتراض کارگران مواجه شدند و موفقیتی کسب نکردند. در مقابل هیات مدیره نیز اقدام به جمع آوری امضا نمود و کارگران پشتیبانی کردند. بدین ترتیب هیات مدیره موفق شد بسیار بیشتر از حد لازم امضا جمع آوری کند و برای گرفتن فرم انتخابات به وزارت کار رجوع نمود. وزارت کار از دادن فرم انتخابات به هیات مدیره امتناع کرد. تنها هنگامی که برای وزارت کار عیان شد که عناصر ضد کارگر برای برگزاری انتخابات و ایجاد سندیکا با شکست مواجه شده‌اند و امکان موفقیتی ندارند از در دیگری وارد شد. وزارت کار دادن فرم انتخاباتی به هیات مدیره را به این مشروط کرد که افراد مورد نظر آنها (بخوان سرمایه‌داران) نیز بتوانند در انتخابات شرکت کنند و کاندید شوند. هیات مدیره پذیرفت. سومین انتخابات پس از قیام برگزار گردید. ترکیب هیات مدیره تفاوت زیادی با هیات مدیره سابق پیدا نکرد. وزارت کار سندیکا را برسمیت شناخت.

کارگران مبارز و پیشرو با توجه به تجربیات خود در این مدت تلاش تازه‌ای را برای سروسامان دادن به وضع سندیکا، وسعت دادن هر چه بیشتر پایگاه آن در میان کارگران، رسیدگی به مشکلات و مطالبات کارگران آغاز کردند. اما سی خرداد ۶۰ و تغییرات

نقشه پرتگاه فلسطین

جنبش فلسطین را که متأثر از شکست ۱۹۴۸ است با اشتیاق به فضای ناسیونالیسم عرب میکشاند، برای او دیگر تنها اتحاد عرب راهگشای آزادی است. اسطوره فلسطین بشوبه خود خمیرمایه بسیج ناسیونالیستی در خاورمیانه عربی میشود و رژیمهای عرب آنرا در جهت مشروع نمودن خود بخدمت میگیرند. از این پس و بیش از همیشه فلسطین برگی در دست رهبران عرب و قدرتهای محلی در مبارزه آنها برای کسب هژمونی منطقه‌ایست، تا جائیکه رقابت میان مصر و عراق بر دینامیسم تشکیل سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) تأثیر میگذارد. اما شکست اتحاد مصر و سوریه و پیروزی انقلاب الجزایر موجب تقویت جریان در اقلیتی (الفتح) میشود که به نوعی درمقابل پان عربیسم مسلط بر «ساف» مدافع هویت ملی فلسطینی است و نقش اعراب را در بحران فلسطین و اسرائیل ثانوی میداند. شکست ارتشهای عرب در جنگ ۱۹۶۷ رویای ناسیونالیسم عرب را درهم میریزد، منطقه‌گرایی را تقویت و «ساف» را دچار بحران میکند. از سال ۱۹۶۸ ببعده مطالبه ملی و تشکیل دولت مرکز ثقل جنبش فلسطین را تشکیل میدهد. این دولت ابتدا در قالب یک دولت دموکراتیک که ساکنین فلسطین تاریخی را مستقل از وابستگی‌های قومی و مذهبی در بر میگیرد و از طریق مبارزه مسلحانه علیه صهیونیسم مطالبه میشود. چند سال پس از جنگ ۱۹۷۳ و شکست ارتشهای مصر و سوریه در بازپس گیری مناطق اشغالی است که ایده یک دولت مستقل فلسطینی بر بخشی از سرزمین فلسطین (ساحل غربی و نوار غزه) جای میافتد (۵). این پروژه سیاسی اساسا فلسطینی، برای حکومت ملی در کرانه باختری و غزه، گرچه خود را از ریشههای عرب رها میکند

آن بود، دفاتر، اسناد و اموال سندیکا را ضبط نمود و درب آنرا مهر و موم کرد. بدین ترتیب سومین سندیکایی که کارگران صنعت چاپ تهران پس از قیام بهمین تشکیل داده بودند نیز منحل گردید. آنچه در فعالیت و مبارزه سه ساله (بهمن ۵۷ تا بهمن ۶۰) کارگران صنعت چاپ تهران برای برسمیت یافتن تشکل خود توسط بورژوازی مشهود است، نه تحمیل خود به سرمایه‌داران از طریق سازماندهی کارگران برای دفاع از مطالبات، تشکل و نمایندگانشان بلکه از طریق باز کردن دست دولت و سرمایه‌داران در امور مستقل کارگران است. کارگران صنعت چاپ تهران برای برسمیت یافتن تشکل خود به همان دولت و وزارت کاری رجوع میکنند که کارگران در دیگر بخشها در تقابل و در مبارزه با آنها شوراهای خود را بوجود می‌آورند، در بسیاری از کارخانجات کنترل تولید را بدست می‌گیرند و موفق میشوند تا بسیاری از مطالبات خود را راسا بمورد اجرا گذارند. اقدامات متفاوت دو بخش از جنبش کارگری در انقلاب ۵۷ در برخورد به مسائل طبقه کارگر ناشی از اعتقاد رهبران آنها به دو روش متفاوت بود. یکی اتکا به سازماندهی عمل انقلابی و عمل مستقیم کارگران و دیگری اتکا به قوانین و مقررات بورژوازی و اسیر ماندن در قید و بندهای کار سندیکایی.

اگر چه بالاخره ضد انقلاب حاکم همه بخشهای جنبش کارگری را با قساوتی ددمشانه به عقب راند و همه آنچه را که کارگران قبضه کرده بودند بازپس گرفت، اما تجربه این دوره از مبارزات کارگری نیز بروشنی نشان میدهد که طبقه کارگر برای پیشروی و برای نیل به پیروزی جز به نیروی مستقل خویش به هیچ چیز و هیچکس دیگر نمیتواند چشم امید داشته باشد. *

اهداف امپریالیستی اجزای تشکیل دهنده این منطقه را بیک سرنوشت مشترک محکوم کرده است، این هماهنگی نیروهای واقعی و اجتماعی چپ در این واحد منطقه‌ایست که میتواند در مقابل این تعرض عظیم، راه رهائی را برای مردم فلسطین نیز هموار کند.

زیر نویسها

۱- منظور از «کولونی» در این نوشته، شهرک‌نشینهای اسرائیلی در اراضی اشغالی فلسطینی است. کولونی در زبانهای لاتین بمعنای سرزمین مورد استعمار قرار گرفته نیز بکار گرفته میشود.

۲- از اجزای سیاسی قدیمی مانند حزب کمونیست Hadash، حزب انترناسیونالیست Matzen تا جنبش های طرفدار حقوق مردم فلسطین و علیه اشغال چون بلوک صلح، اتحاد زنان برای یک صلح عادلانه، زنان سیادیوش، مرکز اطلاعات الکترونیک، گروه مشترک یهودی-عرب Taayoush یا سازمانهایی با محدوده عمل مشخص مانند کمیته علیه تخرب مسکن و ...

۳- اسلامی شدن زبان قیام، نماد قدرت و نفوذ حماس نیست. اسلام شکل بیانی رادیکالیزه شدن جنبش ملی شده است.

۴- طرح آموزش بخشی از افسران ارشد فلسطینی در آمریکا و تربیت بخشی از نیروهای پلیس محلی تحت نظارت سازمان سیا که شعبه‌های خود را در اراضی اشغالی در دوران شکوه و جلال «اسلو» مستقر کرده است.

۵- «ژان ژنه» نویسنده فرانسوی، فضای حاکم بر جنبش فلسطین را در اوایل دهه هفتاد، نماد برخورد به یک «دولت فلسطینی» در اثر خود «اسیر عاشق» چنین ترسیم میکند: «قبول یک سرزمین هر قدر محدود که فلسطینی‌ها در آن دولت، پایتخت، مسجد، کلیسا، گورستان، شهرداری، بنای یادبود شهیدان، زمینهای اسبدوانی، باند فرودگاهی که در آن گاردی از سربازان روزی دو بار در مقابل روسای دول خارجی ادای احترام کند، داشته باشند چنان کفری تلقی میشود که حتی فکر کردن به آن تنها بشکل یک فرضیه نیز گناه و خیانت به انقلاب بشمار میرفت. علی مانند همه فدائیان دیگر تنها به یک انقلاب باشکوه بشکل یک بوته آتشزا، آتشی که از بانگی به بانگ دیگر، از اپرانی به اپرانی دیگر، از زندان به کاخ دادگستری، میجهت تا جاهای نفت متعلق به خلق عرب را از گزند مصون نگاه دارد، فکر میکرد».

و بر «فلسطینیت» متمرکز میشود، اما نه تنها در محدوده تنگ وابستگی به منابع سیاسی و مالی عرب حرکت میکند، بلکه دینامیسم آن هنوز تحت تأثیر فرایند نیروهای است که جوامع عرب را حرکت میدهند.

به این اعتبار شرایط و فضائی که مردم فلسطین امروز در آن بسر میبرند، تنها منتج از سیاستهای امپریالیستی و اشتباهی سیری‌ناپذیر صهیونیسم نیست، بلکه محصول فلاکت سیاسی و اجتماعی موجود در خاورمیانه است. بخاطر اینست که ناسیونالیسم عرب این جامعه را قربانی تنگ‌نظریهای خود نمود و سرنوشت سیاسی آنرا به قمار بلند پروازیهای سترون و حراج معاملات حقیرانه‌اش گذاشت. نماد ستم تاریخی که بر مردم و جنبش فلسطین روا شده تنها در «دیر یاسین» (توسط نیروهای مسلح صهیونیست) و «کفر قاسم» (بدست ارتش اسرائیل) نیست، در «سپتامبر سیاه» (بدست ارتش اردن) و «تل زعترا» (با همکاری ارتش سوریه) هم هست. وضعیتی که مردم فلسطین امروز گرفتار آنند نتیجه اینست که در هر کشور عربی منطقه که جنبش چپ سوسیالیست سر بر نیاورد، یا توده گیر نشد، یا از درون تحریف شد، آرمانهای اجتماعی پیشرو و عدالتخواه در پیشگاه ناسیونالیسم عرب قربانی شدند، و سازمانهای چپ نیز یا سرکوب شدند یا به خادمان و همراهان سربراه بدل گشتند؛ به این دلیل است که از درون مبارزه با بیعدالتی و استعمار افسران جوان و بعث و امثالهم سر برآوردند، و مقاومت و مبارزه به امثال اخوان‌المسلمین و حماس و حزب‌الله به وکالت سپرده شد؛ بخاطر اینست که صدای اعتراض اجتماعی پیشرو و عدالتخواه در برآمد امواج سنت و آل و عشیره و ملت و اسلام غرق شد و خاموش گشت. این تراژدی مردم خاورمیانه است، و سرنوشت مردم فلسطین از آن جدائی‌ناپذیر است. در چنین شرایطی، حل مسئله فلسطین بوجود نیروهای واقعی و اجتماعی چپ در خاورمیانه نیز بستگی پیدا میکند. امروز که